

لبنان تحمیل شود، اسرائیل مجبور شده که مناطقی از لبنان را که در دو مرحله در ۱۹۷۸ و ۱۹۸۲ اشغال کرده بود در سال ۲۰۰۰ تحت ضربات مقاومت تخلیه کرد. یا مثلاً گروه‌های مقاومت در فلسطین، حماس، جهاد و دیگران، اینها مقاومت کردند و اسرائیل متوجه شد که ناچار است از غزه خارج شود و در سال ۲۰۰۵ از آنجا خارج شد. آن هم کسی مثل آریل شارون. اتفاقاً اینها خوب است که الان بازخوانی شود تا این شبهات از بین برود. مقاومت دستاوردهای ارزشمندی داشته است. یا مثلاً در مورد بحث مربوط به عراق که مثلاً آمریکایی‌ها عراق را اشغال کرده بودند و در نهایت با مخالفت بخش‌های وسیعی از مردم مواجه شدند و آن بخش‌ها با الهام‌گیری از نظریه مقاومت، تلاش کردند که قدرت اشغالگر را خارج کنند یا محدود کنند.

◀ پس با این حساب نیازی هم به بازخوانی سیاست منطقه‌ای نیست؟ نه، اتفاقاً ما باید هر از چندی نسبت به سیاست‌های خود ارزیابی واقعی داشته باشیم. همان‌طور که در ابتدا گفتم سیاست منطقه‌ای و جهانی کشور باید هم‌راستا و هم‌سو با هم باشد. برای دستیابی به این طرحواره در ابتدا باید مجموعه نیروهای داخل کشور همراه با شما باشند. برخی به اشتباه گمان می‌کنند که تنها ابزار ایران برای بازی در منطقه مقاومت یا سلاح مقاومت است در حالی که مقدم بر همه این موارد، نیاز است که مردم به عنوان یکی از عناصر مهم شکل دهی به حاکمیت کشور در این مسیر،

همراه شما باشند. درک متقابل دولت و ملت از یک راهبرد سبب خواهد شد تا گفتمانی که یک دولت برای سیاست خارجی خود در منطقه یا یک موضوع خاص در منطقه در نظر می‌گیرد مقبولیت بیشتری داشته باشد و دچار انزوای گفتمانی نشود. ما برای فلسطین ایده‌ای طراحی کرده‌ایم که بر حق تعیین سرنوشت از طریق صندوق رأی تأکید دارد. منتهی این ایده در ابتدا باید در داخل کشور تبیین شود و با همراه ساختن مردم نسبت به آن که البته در طول برخی اقدامات دورن‌زا و وفاق محور باید انجام شود و سپس به دنبال طرح این ایده در افکار عمومی منطقه و جهان باشیم. حمایت و درک مردم از سیاست‌های یک کشور نقش حیاتی در موفقیت آن دارد. انزوای گفتمانی، چه در سطح داخلی و چه در سطح منطقه‌ای و جهانی، می‌تواند منجر به شکست شود. اگر مردم یک کشور به هر دلیل نخواهند یا نتوانند گفتمان دولتشان در یک موضوع را درک کنند یا با آن ارتباط برقرار کنند، این کشور موفق نخواهد شد و نفوذ و تأثیرگذاری خود را در بین ملت خود و منطقه و جهان از دست می‌دهد. در چنین شرایطی، حتی سلاح و کمک‌های خارجی نمی‌توانند به آن کشور کمک کنند. مهم‌ترین مسأله این است که یک کشور چگونه می‌تواند گفتمان خود را در بین مردم خود و در سطح منطقه و جهان قابل پذیرش کند. مردم به عنوان صاحبان یک کشور، نقش کلیدی در تأمین موفقیت و نفوذ آن کشور دارند و

همین امر باید ما را هشیار کند به نحوی که دچار انزوای گفتمانی نشویم. گفتمان ما در منطقه بر اساس طرحی است که مردم فلسطین را در مرکز آن قرار می‌دهد. این طرح بر این اساس است که مردم فلسطین باید حق خود را در تعیین سرنوشت اعمال کنند. ما معتقدیم که هر چه مردم فلسطین می‌گویند، باید مورد توجه قرار گیرد. اما این گفتمان تا زمانی که به عنوان یک طرح تهیه شده در یک اتاق یا سازمان باشد و برای عموم تبیین نشود نمی‌تواند به تغییرات واقعی بینجامد. برای موفقیت این طرح، باید با همکاری کشورهای مختلف و جلب حمایت آنها عمل شود؛ آنگاه است که خطر انزوای گفتمان کشور را تهدید نمی‌کند. منتها طرح همه پرسى به گونه‌ای مطرح شود که اولاً در داخل ایران نسبت به آن خدشه وارد نشود، پس از آن خود فلسطینی‌ها بپذیرند اعم از مردم و رهبران آنها و گروه‌های مقاومت و دولت فلسطین و سپس کشورهایی در سطح منطقه و جهان با ما همراه شوند. لازمه این همراهی در سطح جهان سیاست کاهش تنش در منطقه و جهان است. تا زمانی که ما با برخی کشورهای مؤثر جهانی در تنش قرار داریم، نمی‌توانیم به پذیرش ایده همه پرسى امیدوار باشیم. البته طرح دو دولت هم عملی و اجرایی نیست و مخالفان اصلی آن اسرائیل و آمریکا هستند و لذا به نظر می‌رسد به پرداخت هزینه در داخل در موافقت با آن، و در خارج، در مخالفت با آن، نیازی نیست. ▶

